

AWARD

Case No. 10645

Chamber One

پرونده شماره ۱۰۶۴۵

شعبه یک

حکم شماره ۱-۱۰۶۴۵-۴۲۳

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخہ برابر اصل

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاری ایران- ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	12 JUN 1989
	۱۳۶۸ / ۳ / ۲۲

استیفن جی. شیفلت،

ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار مطروح توسط

ایالات متحده امریکا،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

خوانده.

حکم

حاضران

از جانب خواهان : خانم لیزا ای. گراش،

وکیل - مشاور وزارت امور خارجه ایالات متحده

آقای مایکل اف. رابوین،

معاون نماینده رابط ایالات متحده

از جانب خوانده : آقای علی حیرانی - نوبری،

معاون نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای محمد حسن بردبار،

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای محمد اسبقی،

دستیار حقوقی مشاور حقوقی.

الف - رسیدگیها

۱ - در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] ایالات متحده دادخواستی ثبت و ادعای کمتر از ۲۵۰،۰۰۰ دلار استیفن گرنویل شیفلت ("خواهان") علیه جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") را ارائه نمود. خواهان درخواست پرداخت حقوقی که حسب ادعاء طبق قرارداد استخدامی اش با دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) به وی تعلق می‌گرفت و خسارت از دست دادن اموال شخصی، و اجاره بهای پیش پرداخت شده را نموده است. جمع خواسته خواهان بدواً بالغ بر ۶،۷۰۰/ دلار می‌شد.

۲ - در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۴ [چهارم آوریل ۱۹۸۵] دادخواست تکمیلی (خواهان) به ثبت رسید که در آن مبلغ خواسته به ۳،۵۰۰/ دلار کاهش داده شد.

۳ - در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۶۵ [دهم ژوئیه ۱۹۸۶]، خوانده لایحه دفاعیه‌ای به ثبت رساند.

۴ - به دنبال ثبت جوابیه‌ای توسط ایالات متحده در پنجم فروردین ماه ۱۳۶۶ [۲۵ مارس ۱۹۸۷] و لایحه توجیهی دیگری توسط خوانده در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۶ [۱۲ فوریه ۱۹۸۸]، جلسه استماع پرونده حاضر در نهم آذرماه ۱۳۶۷ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۸] برگزار شد.

ب - واقعیات و اظهارات

۵ - خواهان در اوت ۱۹۷۸ با امضاء قراردادی پیشنهاد دانشگاه شیراز را جهت تدریس در یکدوره فشرده تابستانی زبان انگلیسی به دانشجویان سال اول از ۱۷ مرداد الی ۲۸/۳۰ شهریور ۱۳۶۷ [هشتم اوت تا ۱۹/۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸] پذیرفت. وی کار

تدریس را به پایان رساند و حقوقش را، به ترتیب توافق شده، دریافت کرد.

۶ - خواهان اظهار می‌دارد که آقای حدیدی، رئیس دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز، بعد از پایان ترم تابستان از وی دعوت کرد که در ترم پاییز که در اکتبر ۱۹۷۸ شروع می‌شد، انگلیسی تدریس کند. خواهان می‌گوید طبق توافقی که صورت گرفت، قرار بود که وی در مقابل دریافت حقوقی معادل ۸۵۰ ریال برای هر ساعت که بالغ بر حدود ۷۵۰ دلار برای هر ماه از ترم چهارماهه پائیزی می‌شد، هفته‌ای دوازده ساعت تدریس نموده، چهار ساعت نیز در اوقات اداری در دانشکده باشد. حسب ادعای آقای حدیدی رئیس دانشکده به وی قول داد که این توافق شفاهی توسط وزارت [علوم و] آموزش [عالی] کتبا تأیید خواهد شد. خواهان اظهار می‌دارد که گرچه وی با روایت تورینستی وارد ایران شده بود که مدت اعتبار آن در ۱۲ آبانماه ۱۳۵۷ [سوم نوامبر ۱۹۷۸] منقضی می‌شد، با اینحال، به وی اطمینان داده بودند که دانشگاه [شیراز] در اداره اقامت اتباع بیگانه از وجهه و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و صدور پروانه اقامت و جواز کار لازم با مشکلی روبرو نخواهد شد.

۷ - حسب ادعای خواهان با آنکه هنوز قرارداد کتبی تنظیم نشده بود، و در واقع هرگز هم تنظیم نشد، وی باتکاء این اظهارات کار تدریس را از اوایل اکتبر شروع کرد. وی اظهار می‌دارد که کتابهای درسی و برنامه تدریس وی با بقیه برنامه‌های انگلیسی دانشگاه هم آهنگ شد و دفتری در اختیار ایشان قرار گرفت.

۸ - معیذاً اندکی پس از شروع کلاسها ناآرامیهای سیاسی شدت گرفت و در حدود اواخر هفته دوم اکتبر ۱۹۷۸، ناآرامیهای انقلابی، اعتصابات و تظاهرات ضد دولتی به حدی رسید که دانشگاه شیراز تعطیل شد. خواهان نتوانست کار تدریس را ادامه دهد، لکن حسب ادعای به این انتظار که پس از آرام شدن اوضاع دانشگاه مجدداً باز خواهد شد، حدود دو هفته در شیراز ماند.

۹ - خواهان اظهار می‌دارد که، در پایان این دوره دو هفته‌ای، دکتر یارمحمدی سرپرست مستقیم وی در دانشگاه به وی توصیه کرد که از کشور خارج شود. علاوه بر این، وی حقوقی بابت ترم پاییز دریافت نکرده بود. ایشان می‌گویند بدین علت نتوانسته بود حق‌التدریس دو هفته اول اکتبر ۱۹۷۸ خود را دریافت کند که قسمت دستمزد حسابداری دانشگاه در حال اعتصاب بود. بنابراین چون ذخیره مالی او به سرعت تمام می‌شد، از شیراز عازم تهران و سرانجام در ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۵۷ [دوم نوامبر ۱۹۷۸] از ایران خارج شد.

۱۰ - خواهان پیش از عزیمت خود، به دکتر یارمحمدی کتبا "اختیار داد که حقوق معوقه او را دریافت نماید و در آن، از جمله مطالب دیگر، قید کرد که "مضافاً تفاهم حاصل است که حقوق مزبور بابت چهل (۴۰) ساعت کار از قرار ساعتی هشتصد و پنجاه (۸۵۰) ریال، می‌باشد".

۱۱ - خواهان می‌گوید، به سبب عجله‌ای که می‌بایست در خروج از کشور به خرج می‌داد، نتوانست ترتیب حمل اسباب و اثاثه شخصی و خانگی، به‌ویژه کتابها و ظروف آشپزخانه خود را، به ایالات متحده بدهد و همچنین به ناچار مبلغ ۴۰۰/- دلار اجاره بهای پیش‌پرداختی را از دست داد.

۱۲ - خواهان استدلال می‌کند که خواننده قرارداد استخدامی را با عدم پرداخت حقوق متعلقه وی و فسخ پیش از موعد قرارداد، نقض کرد. وی بر این موضع است که خواننده نه فقط می‌بایست مبلغ ۴۰۰/- دلار حقوق وی بابت دو هفته تدریس در اوایل اکتبر ۱۹۷۸ را پرداخت کند بلکه همچنین ملزم است مبلغ ۲،۶۰۰/- دلار بابت حقوق از دست رفته مابقی ترم پاییز را نیز بپردازد. خواهان، با این استدلال که نمی‌توانسته است تا قبل از شروع ترم تحصیلی بعدی در ژانویه ۱۹۷۹ با یافتن شغلی در دانشگاههای ایالات متحده زیانهایش را تقلیل دهد، حداقل حقوق از دست

رفته تا پایان دسامبر ۱۹۷۸ را مطالبه می‌کند. بعلاوه، خواهان استدلال می‌کند که خوانده مسئول اثانه منزل به ارزش ۱۰۰ دلار و اجاره بهای از دست رفته به مبلغ ۴۰۰/ـ دلار، به عنوان خسارات تبعی ناشی از نقض قرارداد، می‌باشد.

۱۳ - خواهان ادعایش را به نحو دیگری مطرح ساخته و بابت حدود دو هفته تدریس در اکتبر ۱۹۷۸، تحت فرضیه اجرت المثل، مبلغ ۴۰۰/ـ دلار مطالبه می‌نماید.

۱۴ - نامبرده همچنین خواستار بهره نسبت به مبلغ محکوم به از تاریخ هشتم آبانماه ۱۳۵۷ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۸] و ۵۰ دلار بابت هزینه‌های داوری است.

۱۵ - خوانده به صلاحیت دیوان نسبت به ادعا ایراد گرفته، مضافاً منکر ماهیت ادعا می‌شود. اولاً، خوانده منکر آنست که قرارداد لازم‌الاجرائی که دیوان بتواند صلاحیتش را بر آن مبتنی سازد وجود داشته است. ثانیاً، خوانده استدلال می‌کند که طبق قوانین ایران، وجود قرارداد را نمی‌توان با شهادت ثابت کرد و مقررات دانشگاه شیراز قرارداد شفاهی را معتبر نمی‌شناسد. خوانده در این زمینه به عملکرد دانشگاه در مورد دوره فشرده تابستانی اشاره می‌کند. ثالثاً، خوانده استدلال می‌کند که خواهان اهلیت انعقاد قرارداد استخدامی را نداشت، زیرا فاقد پروانه اقامت یا جواز کار در ایران بوده است. رابعاً، خوانده منکر آنست که خواهان واقعا دو هفته در اکتبر ۱۹۷۸ تدریس کرده بود و استدلال می‌کند که وی بدان جهت نتوانست وجهی از قسمت دستمزد حسابداری دانشگاه دریافت کند که گواهی لازم موعید ساعات واقعی تدریس خود را ارائه ننموده بود. خامساً، خوانده همچنین اظهار می‌دارد که آقای شیفلت می‌بایست در همان روزی که ایران را عملاً ترک کرد، از کشور خارج می‌شده، زیرا وی به عنوان توریست به ایران وارد شده بود و رواید وی درست همان روز خروجش منقضی می‌شد. خوانده در خاتمه به شرایط فورس ماژور، که در آن وقت در ایران وجود داشت، استناد می‌کند و آن وضعیت

را به عنوان دلیل قطع هرگونه رابطه استخدامی می‌داند.

۱۶ - خواننده تقاضا می‌کند که ادعا رد شود، و مبلغ /- ۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه‌های داوری به نفع وی حکم داده شود.

### ج - دلایل حکم

#### اول - صلاحیت

۱۷ - اختلافی نیست که خواهان تبعه ایالات متحده می‌باشد و از نظر بیانیه حل و فصل دعاوی جمهوری اسلامی ایران خواننده واقعی پرونده حاضر است. بعلاوه، بخشی نیست که ادعا در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است. تنها ایراد صلاحیتی خواننده مبتنی بر این استدلال است که قراردادی بین طرفین وجود نداشته و لذا ادعا به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی "از دیون، قراردادها ... سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" ناشی نمی‌شود. معهذاً، دیوان، از جهت احراز این مطلب که آیا واجد صلاحیت موضوعی هست یا خیر، این مساله را بررسی می‌کند که آیا مبانی حقوقی که خواهان خواسته خود را بر آن استوار ساخته، مشمول یکی از موارد صلاحیتی احصایی در ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشد یا خیر. در اینجا، خواهان مدعی است که ادعا از یک قرارداد موجود ناشی می‌شود. لذا دیوان متقاعد شده است که نسبت به ادعای حاضر صلاحیت دارد.

#### دوم - ماهیت

۱۸ - مسئله اصلی در این پرونده اینست که آیا قرارداد استخدامی لازم‌الاجرای برای ترم

پاییز سال ۱۹۷۸ بین طرفین وجود داشته است یا خیر. خواهان ادله مقنعی ارائه نموده که نشان می‌دهد وی واقعا "حدود مدت دو هفته در اکتبر ۱۹۷۸ تدریس کرده است. از این نظر، شهادتنامه خواهان با مدارک مستند به ویژه اجازه‌نامه‌ای که خواهان برای وصول چک حقوقش به سرپرست خود نوشته، مطابقت می‌کند. بعلاوه، شهادتنامه خواهان با اظهاریه کتبی ویلیام ئی. اسمیت، یکی از همکاران سابق خواهان در کادر تدریس دانشگاه شیراز، تائید می‌شود. علاوه بر این، دیوان متقاعد شده است که خواهان با آگاهی و رضایت آقای حدیدی، رئیس دانشکده، کار تدریس را آغاز کرد و دانشگاه شیراز نیز در واقع خدمات خواهان را پذیرفته است. دیوان داوری قبلا" مقرر داشته است که وجود قرارداد شفاهی را می‌توان بموجب ادله‌ای باثبات رساند که نشانگر اجرای بخشی از قرارداد باشند و در چنین اوضاع و احوالی طرف دیگر نمی‌تواند، صرفا" به بهانه‌های شکلی، مدعی عدم اعتبار موافقتنامه شود. رجوع شود به: حکم شماره ۳- ۲۵۵-۱۷۶، ص ۲۵ مورخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۶ آوریل ۱۹۸۵] در پرونده دیک آو دلهور اینک، و سایرین و شرکت نوسازی و عمران تهران، و سایرین، که در 8 Iran-U.S. C.T.R. 144, 161 نیز به چاپ رسیده، حکم شماره ۳-۴۰-۵۰، ص ۱۳ مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳]، در پرونده آر. ان. پامروی، و سایرین، و دولت جمهوری اسلامی ایران، که در 2 Iran-U.S. C.T.R. 391, 397 نیز چاپ شده است. با اعمال اصول فوق در پرونده حاضر، دیوان نتیجه می‌گیرد که بین طرفین توافقی حاصل شده بود که براساس آن خواهان استحقاق داشته مابه‌ازای کارش را دریافت کند.

۱۹ - لیکن خواهان فقط استحقاق دریافت حقوق بابت دو هفته تدریس واقعی خود را دارد و نمی‌تواند حقوق مابقی ترم پاییز را دریافت نماید. باتوجه به پیشینه بلامنازع واقعیات در پرونده حاضر، دیوان داوری متقاعد شده است که شرایطی که منجر به تعطیل شدن دانشگاه شیراز در اکتبر ۱۹۷۸ گردید در حکم فورس ماژور بوده

است. (۱) بنابراین، در طول دورانی که شرایط فورس ماژور دوام داشته، خواننده از تعهد خود مبنی بر استخدام خواهان معاف بوده است. شرایط فورس ماژور حداقل تا پایان اکتبر ۱۹۷۸، که خواهان به توصیه دکتر یارمحمدی از ایران خارج شد، ادامه داشته است. دیوان براین نظر است که قرارداد خواهان، که فقط دوره نسبتاً کوتاه ترم پاییز را دربرمی‌گرفت، در پایان این دوره بر اثر شرایط فورس ماژور که "اجرای قرارداد [را] ... به طور قطع و برای مدت زمان طولانی غیرممکن" ساخت، فسخ شد. رجوع شود به: قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵، ص ۲۳ مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده آناکاندا - ایران اینک. و دولت جمهوری اسلامی ایران که در 13 Iran-U.S. C.T.R. 199, 211 نیز به چاپ رسیده است. همچنین تاخیر در پرداخت حقوق دو هفته اول تدریس موجه بوده است، زیرا اعتصاب در قسمت دستمزد حسابداری دانشگاه نیز فورس ماژور محسوب می‌شد. بنابراین، خواننده بابت حقوق از دست رفته مربوط به بقیه دوره قرارداد، یا بابت هرگونه خسارت تبعی ناشی از فسخ پیش از موعد قرارداد، مسئول نیست.

۲۰ - قناعت کافی برای دیوان داوری حاصل شده است که خواهان در طول دو هفته اول اکتبر ۱۹۷۸ حدود ۴۰ ساعت کار کرده، مبلغ ۸۵۰/- ریال نرخی بوده که دانشگاه شیراز قبول نموده بود در ازای هر ساعت خدمت خواهان بپردازد. با احتساب نرخ رسمی تبدیل در تاریخی که موعد پرداخت سررسیده بود، رجوع شود به حکم شماره ۳-۱۱۶-۱، ص ۲۳ مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۶۲ [۱۹ مارس ۱۹۸۴]، صادره در پرونده ویلیام ال. پریرا اسوشی ایتس، ایران و جمهوری اسلامی ایران، که در 5 Iran-U.S. C.T.R. 198, 214 نیز چاپ شده است، و حکم شماره ۳-۳۰۲-۱۹۶،

---

(۱) برخلاف پرونده کترین فی هیلت و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۱۰۴۲۷-۳۵۴ مورخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۵ مارس ۱۹۸۸]، بند ۱۹، در پرونده حاضر، خواننده صریحاً به فورس ماژور استناد کرده است.



ص ۳۶ مورخ ششم آبانماه ۱۳۶۴ [۲۸ اکتبر ۱۹۸۵]، صادره در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کورپوریشن، و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران که در Iran-U.S. C.T.R. 206, 227-281 نیز چاپ شده است، خواهان استحقاق دریافت حداقل ۴۰۰ دلاری را که از این بابت مطالبه می‌کند، دارد.

۲۱ - همانطور که در اظهاریه ویلیام ئی. اسمیت ذکر شده، قسمت دستمزد حسابداری دانشگاه اندکی پس از خروج خواهان از ایران مجدداً شروع به کار کرد و حقوقها پرداخت شد. این امر دال بر آنست که، دست کم زمانی در نوامبر ۱۹۷۸، فورس مازور مانع اجرای تعهد دانشگاه برای پرداخت حقوق ها نبوده است. لذا، دیوان حکم به پرداخت بهره از دهم آذرماه ۱۳۵۷ [اول دسامبر ۱۹۷۸] می‌دهد. نرخ بهره به شرحی که در بخش "د" حکم مقرر گردیده، طبق رویه این شعبه به ترتیب مندرج در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک. و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵] ص ۴۰-۳۵، که در Iran-U.S. C.T.R. 298 نیز چاپ شده است، تعیین خواهد شد.

۲۲ - هر طرف هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

#### د - حکم

۲۳ - بنا به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر مبادرت به صدور حکم می‌کند:

۱ - خوانده، جمهوری اسلامی ایران متعهد است مبلغ چهارصد دلار امریکا (-/۴۰۰ دلار) به اضافه بهره ساده آن به نرخ ۱۰/۲۵ درصد در سال (براساس ۳۶۵ روز) از تاریخ دهم

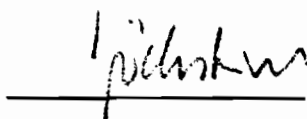
آذرماه ۱۳۵۷ [اول دسامبر ۱۹۷۸] الی تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین صادر کند، به خواهان، استیفن جی. شیفلت، پردازد.

۲ - بقیه ادعاها مردود شناخته می شود.

۳ - تعهد بالا با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.


بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان داوری تسلیم می شود.

لاسه، به تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ برابر با ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۹



کارل - هاینس بوکشتیکل  
رئیس شعبه یک

بنام خدا



هوارد ام. هولتزمن



اسداله نوری

من نه تنها با توجه به دلایل مذکور در بند ۴۵ نظر مخالف خود در پرونده اگرواستراکت اینترنشنال، اینکوروبریتد و سازمان غله کشور و جمهوری اسلامی ایران (رای شماره ۱۹۵-۳۵۸) با حکم به پرداخت بهره به نفع خواهانهای امریکایی در پروندههای مطروح در این دیوان بکلی مخالف هستم و همانطوری که در آن جا ذکر کرده ام با تلقی رای پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینکوروبریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران (شماره ۱-۶۴-۱۸۰) ("رای سیلوانیا") به

عنوان سابقه قابل استناد به علت مبانی سست یافته‌های آن رای مخالف می‌باشم، بلکه استناد به رای سیلوانیا راء، باتوجه به معیارهای اصلی آن رای بویژه در این دعوی خاص، کاملاً بی جا و غیرمنطقی می‌یابم، زیرا که یافته اکثریت در آن پرونده براین استدلال استوار بود که محکوم لهم می‌توانستند با دریافت به موقع محکوم به آراء<sup>۶</sup> "از طریق نوعی سرمایه‌گذاری متداول در کشور خود" از قبیل "سپرده‌های شش ماهه" از سود متعلق به آن مبالغ منتفع شوند. در این پرونده خاص اعمال استدلال فوق و تصور اینکه آقای شیفلت می‌خواسته است و یا حتی اگر می‌خواسته می‌توانسته در امریکا بانکی پیدا کند که مبلغ ناچیز چهارصد (۴۰۰) دلار را برای او سرمایه‌گذاری نماید کاملاً بی‌مورد است.